

قفسه‌های

باز و بسته

در

کتابخانه‌های

تحقیقاتی*

نوشتهٔ ماتیلدا راولستاد

ترجمهٔ شیرین صدرالحفاظی

این مقاله روش سنتی قرار دادن کتابها را برحسب موضوع در قفسه‌های کتابخانه و نیز دلایل کنار گذاشته شدن این روش را در کتابخانه‌های تحقیقاتی اروپا نشان می‌دهد. هم چنین دوباره ظاهر شدن آن را با بعضی تغییرات در کتابخانه‌های دانشگاهی بعد از جنگ بیان نموده و از نظریه‌های تازه‌ای که مخالف استفاده قفسه‌باز برای کتابخانه‌های تحقیقاتی است سخن بمیان می‌آورد.

کتابخانه‌های آمریکائی سعی می‌کنند کتابها را بسادگی در دسترس مراجعان قرار دهند و بدین لحاظ قفسه‌های خود را بروی آنان باز می‌کنند، اما این روش در کتابخانه‌های سراسر دنیا مرسوم نیست. کتابخانه‌های تحقیقاتی دانشگاهی بزرگ در خارج معمولاً قفسه‌های بسته دارند و پژوهندگان با استفاده از کاتالوگ‌ها، کتابشناسی‌ها و فهرست‌ها به کتابها دست می‌یابند.

داشتن مخازن باز با مواد طبقه‌بندی شده بسیار با ارزش است. بعلاوه نیازهای تحقیقات مدرن و تنگناهای مربوط به بودجه که کتابخانه‌ها با آن مواجه بوده‌اند، مخارج زیاد این کار بیش از پیش بحث‌انگیز و نیازمند توجیه و تغییر است. برای بیان این مطلب، این مقاله، سنت کتابخانه باز را پیگیری می‌کند و دلائلی را که با توجه به آنها کتابخانه‌های تحقیقاتی اروپا این روش را کنار گذاشتند فهرست وار بررسی و ظهور دوباره آنها با تغییراتی بعد از جنگ دوم بخصوص در کتابخانه‌های آلمان نشان داده و مباحث جدیدی را بیان می‌کند که اعتبار رده‌بندی مجموعه

Mathilde V. Rovelstad, "Open Shelves Closed Shelves in Research Libraries", *College and Research Libraries*, vol. 37 no. 5 (September 1976) pp. 457-467.

یک کتابخانه تحقیقاتی را صرفاً بر اساس از نظر گذراندن کتابها از بین می‌برد. اگر کتابخانه را مجموعه‌ای سازمان یافته برای استفاده تعریف کنیم، شرط اساسی، دسترسی داشتن به مواد آن است. آنگاه این سوال پیش می‌آید که مسأله دسترسی به کتابها با استفاده از منابع کتابشناسی سنتی موفقیت آمیزتر است یا با استفاده از مدروعه کتابخانه که امکان جست و جو در میان قفسه‌ها را می‌دهد. بسیاری از کتابخانه‌های دانشگاهی و تحقیقاتی در خارج مجموعه‌شان را بر حسب تقدم رمایی مطابق ترتیب سفارش کتابخانه منظم می‌کنند. حسب وجود در چنین شرایطی بی‌فایده است چرا که تمام کتابها با موضوعهای مختلف کنار هم چیده شده‌اند جلدهای مختلف یک اثر یا تک نگاره‌های یک سری جدا از یکدیگر قرار دارند. این عمل درست برخلاف روش کتابخانه‌های امریکائی است که کتابها را پس از رده‌بندی در قفسه‌های باز نگهداری می‌کنند.

سنت قفسه‌های باز

از نظر تاریخی، دسترسی آزاد به کتابهایی که بر حسب موضوع در کنار یکدیگر در قفسه قرار گرفته‌اند قدیمی‌ترین و ساده‌ترین راه استفاده از مجموعه یک کتابخانه است. این روش در اغلب کتابخانه‌های خصوصی با موفقیت بکار می‌رود و شیوه‌ای اقتصادی برای بازیابی سریع کتاب در یک مجموعه کوچک است. اگر چه از سازمان کتابخانه‌های قدیمی اطلاع زیادی در دست نیست ولی واضح است که مواد گردآوری شده در این کتابخانه‌ها، اگر سادگی بازیابی می‌شده‌اند باید طبعی مرتب شده باشند. در واقع فهرستهایی که از قدیم باقی مانده نشان می‌دهد که لوح‌ها و طومارهایی که در کوزه‌های سفالی، صندوق‌های چوبی، طاقچه‌های دیوار و بعدها در قفسه‌های (armaria) دوران روم قدیم بوده‌اند از ترتیب موضوعی بهره داشته‌اند.

کتابخانه‌های صومعه‌ها که در قرون وسطی مهمترین کتابخانه‌ها بودند در مقایسه با روزگار باستان مجموعه‌های کوچکی داشتند و تنها در خدمت گروه‌های طلاب علوم دینی و یادانش پژوهانی بودند که پیشینه‌ای در مذهب داشتند. برای سهولت استفاده، مجموعه غیر مذهبی،

معمولا از کتابهایی که برای مطالعات مذهبی بکار می‌رفت مجزا بود؛ از آنجائی که معمولا این کتابها می‌بایست در همان محل کتابخانه خوانده شوند نوعی ترتیب موضوعی در سازمان آنها وجود داشت؛ از آنجائی که فهرستی وجود نداشت، نامدها، نظم کتابها خود بخود روشی برای پیدا کردن کتاب بحساب می‌آمد و چون مجموعه‌ها بسیار کوچک بودند این کار امکان پذیر بود. حتی کتابخانه‌هایی با مجموعه متوسط بیش از چند صد جلد کتاب نداشتند، در مجموعه‌های بزرگتر محل کتابها برای راهنمایی استفاده کننده، عنوان گذاری شده بود، گاه تصاویر نویسندگان در بالای قفسه‌ها یا روی دیوارها، از وجود کتابهای آنان خبر می‌داد، مثل کتابخانه Isidor of Seville (۶۳۶-۵۶۰) و یا قفسه‌ها عنوان گذاری شده بودند، مثل قفسه سلطنتی *armario imperiali* در کتابخانه Charlemagne (۷۴۲-۸۱۴).

صومعه‌های St. Gall و Reichenau سرعنوانهایی برای بخشهای فرعی‌تر نیز فراهم کرده بودند.

چنانکه در کتاب *Philobiblon* نوشته Richard de Bury آمده است، بازرسی ادواری از کتابهای کتابخانه یکی از رسوم خاص قرون وسطا بود. شاید از همین رو بود که همه فهرست‌ها در گوشه‌ای گردآمده بود. بدین ترتیب وجود یا عدم هر کتاب قابل کنترل بود. با رشد مجموعه، این فهرست‌ها، بازیابی کتابها را نیز آسان می‌کردند. اینها در حقیقت همان فهرست‌های اولیه بودند که دو فایده داشتند. از یک سو بعنوان رف برگه (shelf-list) برای کنترل کتابها و تعیین محل آنها بکار می‌رفتند و از سوی دیگر از آنجائی که کتابهای هم موضوع کنار هم نگهداری می‌شدند، کار یک فهرست موضوعی را نیز انجام می‌دادند. بدیهی است که سهولت دستیابی به مجموعه نیز مورد نظر بوده است زیرا در فهرست عنوان‌ها کتابهای هم‌سان کنار یکدیگر قرار داشته‌اند؛ مثلا فهرستی با "کتاب مقدس" شروع می‌شد و سپس در پی آن "پدران کلیسا"، "متخصصین الهیات"، "نویسندگان عهد باستان" و بالاخره علوم انسانی می‌آمد.

بعد از قرن دوازدهم کار کتابخانه‌های صومعه‌ها با آخر رسید و دانشگاهها بعنوان مراکز

تحقیق و تدریس و تعلیم ظهور کردند. از آنجائی که مجموعه کتابخانه‌ها بیش از کتابخانه‌های صومعه‌ها پاسخگوی مراجعان بودند، مقرارت شدیدی داشتند که در دانشکده‌ها تدریس می‌شد. روبر دو سوربن Robert de Sorbonne با اهدای کتابخانه خود در سال ۱۲۵۰ این باب را در تاریخ کتابخانه‌ها گشود. این مجموعه‌ها نیز مثل مجموعه صومعه‌ها برحسب احتیاجات مراجعان مرتب می‌شدند. یعنی برحسب چهار رشته دانشگاه گروه بندی شده بودند که شامل الهیات، پزشکی، حقوق و فلسفه بود. در هر گروه کتابها ترتیب حرف اول نام مولف قرار داشتند. اما حتی این ترتیب نیز، با اینکه پیدا کردن کتابها را در مجموعه‌های کوچک آسان کرده بود، ادامه پیدا نکرد. در سال ۱۲۸۹ کتابخانه سوربن به دو قسمت تقسیم شد؛ یکی کتابخانه مرجع (*libraria magna*) با ۲۲۰ جلد کتاب که از میان آنها کتابهای پر خواننده به ۲۶ میز بسته شده بود و دومی کتابخانه کوچکی که کتات بامانست می‌داد (*libraria parva*) با ۱۲۹۰ جلد کتاب که شامل کتابهای تکراری و مواد کم ارزش تر بود.

دوره رنسانس و باروک بخاطر سالنهای زیبای کتابخانه و معماری باشکوه کاخهای سلطنتی بر خود می‌بالید. کتابها در شاه نشین هاروی سلسله ردیف‌هایی که دیوارهای بزرگ را احاطه کرده بودند انبار شده بودند. صاحبان کتابخانه‌ها عموماً اجازه می‌دادند که افرادی باسلیقه‌های یکسان در این سالن‌ها از کتابها استفاده کنند ولی به سبب پیشرفت تعلیم و تربیت، درخواستهای از طرف گروه‌های بزرگتری از مردم برای دسترسی به دانش انبار شده در کتابخانه‌ها می‌رسید. گابریل نوده (۱۶۵۲-۱۶۰۰) در رساله خود درباره کار کتابخانه‌ها پیشنهاد می‌کند که کتابخانه‌ها به روی همگان باز باشند و برای تمام آتیه‌هایی که ممکن است نفعی از آنها ببرند دستیاب باشند. باگشودن درهای بعضی کتابخانه‌ها به روی "عموم" عده کسانی که در کتابخانه‌ها پذیرفته می‌شدند، بیشتر می‌شد و این بدان معنی بود که افراد تحصیل کرده آن زمان اعضاء بلا فصل جامعه دانشگاهی نبودند. آمبروسیان Ambrosiana در میلان (۱۶۰۳) اولین کتابخانه بزرگی بود که این سیاست را پذیرفت و بزودی کتابخانه‌های دیگر نیز از این روش تقلید

کردند مثل بودلیان Bodleian در آکسفورد (۱۶۱۲) و مازارین Mazarine در پاریس (۱۶۴۳). کاردینال ریشلیو (۱۶۴۲-۱۵۸۵) می‌خواست که سوربن کتابخانه عمومی‌ای باشد که محققان، و نیز: "Messieurs les curieux et les étrangers" (یعنی چهره‌های ناشناسی که به محافل علمی تعلق نداشتند) بتوانند در ساعات خاصی از کتابخانه استفاده کنند، اما این گروه نیز گروهی اندک و برگزیده بودند و توده مردم را در بر نمی‌گرفتند، از آنجائیکه در این کتابخانه‌ها کتاب امانت داده نمی‌شد از کتابها فقط در سالنهای مطالعه استفاده می‌شد، اگر فهرستی وجود داشت بکار می‌رفت و این تنها ترتیب منظم کتابخانه برای راهنمایی مراجعان بود. در اواخر قرن هفدهم نظم رده‌بندی‌های تفصیلی که هنوز در کتابخانه‌های کوچکتر مورد استفاده بود در سطح وسیع‌تری گسترش یافت. با آغاز قرن هجدهم این مسئله بصورت منظم‌تری در آمد که نتیجه منطقی اعتباری بود که عصر روشنگری به افکار جامع می‌داد. ترتیب منطقی و منظم کمک خوبی برای محققان بود که آنان را به آنچه نیاز داشتند راهنمایی می‌کرد. البتد در این میان مجموعه‌های عظیم نیز وجود داشت مثل: کتابخانه Elector of Saxony در درسدن Dresden که ۱۷۴ هزار جلد کتاب آن تا سال ۱۷۹۶ تنها بخاطر روش منظم آن قابل دستیابی بود. بسیاری از رساله‌های نظری پیشنهادکنندگان این روشهای تفصیلی بودند. مانند رساله معروف کنراد گسner Konrad Gesner بنام *Pandectae sive Partitiones universales* (زوریخ، ۱۵۴۵) که راهنمای موضوعی برای *Bibliotheca universalis* او بود. این روش بوسیله کتابخانه‌های دانشگاهی دنبال و نمونه‌ای برای تنظیم کتابها در قفسه‌ها شد.

ترک استفاده از قفسه‌های باز

در اواخر قرن هجدهم با پیدایش دو عامل، سدی در ارتباط سنتی خواننده و کتاب بوجود آمد که از نظر عملی و نظری بر کتابخانه‌های نوین تاثیر بسیار گذاشت. یکی از آنها این حقیقت بود که تا اواسط قرن هجدهم تسهیلات جدید مانند گرما و نور به کتابخانه‌ها راه پیدا

کرده بودند. در کتابخانه‌های بزرگ برای سهولت مطالعه، اتاقهای کوچک در اختیار مطالعه کسندگان قرار می‌گرفت. این اتاقها براحتی گرم می‌شدند و بعلاوه نظارت بر خوانندگان نیز آسان بود. اکنون دیگر کتابهای مجموعه خواننده را در بر نمی‌گرفت و جلدهای مورد نیاز در اتاق مطالعه به آنجا تحویل داده می‌شد. این قدم کوچکی برای بستن مخزن های کتاب و نیز پذیرفتن مراجعان تنها در اتاقهای مطالعه بود.

عامل دیگری که سهمی در بستن قفسه‌های کتابخانه‌ها داشت، افزایش سریع کتابهای ادبی و تفریحی بود. ظاهراً موثرترین راه برای چیدن مواد جدید، افزودن ردیف قفسه‌ها بطور موارى نزدیک یکدیگر بود که گنجایش مخزن را افزایش می‌داد. بدین سان قفسه‌ها در جایی دیگر غیر از اتاقهای مطالعه نزار گرفتند و خوانندگان تنها به اتاقهای مطالعه راه داشتند حال آنکه قفسه‌ها بسته بودند و یا تنها به روی بعضی خوانندگان خاص باز بودند. بستن قفسه‌ها از مفقود شدن کتابها نیز جلوگیری می‌کرد.

پیشرفتهای دیگر در طول قرن ۱۹ نیز بر این دگرگونی موثر بود. تعدادی دانشگاه جدید در نیمه دوم قرن در اروپای غربی تاسیس شد و با وضع اصولی تازه، تحقیقات دانشگاهی رونق یافت. تعداد انجمن‌های فرهنگی در بعضی از کشورها دو برابر شد که برای پیشبرد هدفهای فرهنگی خود نیاز به پشتیبانی کتابخانه‌های دانشگاهی داشتند. در هر صورت، از آنجایی که رشد کتابخانه در تمام جهات خود بیگسان و متناسب نبود، کتابخانه‌های بزرگ با مشکلات اداری روبرو شدند که نمی‌توانستند نیازهای آماده سازی توده فراوان کتابهای جدید و نیز خدمات دیگری را که از آنان انتظار می‌رفت برآورند.

تنها وسیله دستیابی رف برکه‌ها بود که می‌بایست هم برای یافتن کتابها در مجموعه‌ها هم بعنوان فهرست موضوعی کتابخانه بکار رود. با افزایش کتابهای جدید تغییر محل دائمی کتابها در قفسه‌ها امری ناگزیر بود. در نتیجه این مشکلات تعداد کتابهای آماده نشده رو به افزایش گذاشت. اینطور بنظر می‌آمد که تنها راه حل این مسئله کنار گذاشتن روش موضوعی موجود و بکار گرفتن سریع‌ترین وسیله ممکن برای نگهداری کتاب بود. بدین ترتیب دیگر لزومی نداشت فهرست

رده‌بندی شود کتابخانه را بمنزله رف برگه نیز بکار گرفت، و کار دستیابی سریعتر و سریعتر شد، این تصمیم نتایج بسیاری در پی داشت، چرا که وقتی نظم سیستماتیکی در قفسه‌ها وجود نداشته باشد و کتابهای هم موضوع نیز در کنار یکدیگر نباشند رفتن خواننده به مخزن بی فایده است، بدین ترتیب استفاده از روش بسته منطقی نتیجه نبودن نظم سیستماتیک بود، از آن بیعت کتابداران این تصمیم را با چنین منطقی توجیه می‌کنند.

براشراحتیاج روش دیگری بکار گرفته شد، این روش که پیدا کردن کتاب از قفسه‌ها shelf finding بود، کتابها را براساس شماره ردیف تنظیم می‌کرد که در واقع روش جدیدی

نبود زیرا چنانچه فهرست‌های دورهام Durham (قرن دوازدهم) ویاکنتربری Canterbury

(حدود ۱۳۰۰) نشان می‌دهند در این کتابخانه‌ها نیز کتابهای جدید تحت موضوعهای کلی به

ترتیب عددی مرتب می‌شدند، نمونه معروفی از این روش، ترتیب مجموعه Ambrosiana

در میلان (۱۶۰۲) بود که نوده Naudé بشدت از آن انتقاد کرده است.

در قرن ۱۹ کتابخانه ملی فرانسه اولین کتابخانه‌ای بود که کتابها را به ترتیب شماره

ثبت در قفسه‌ها تنظیم کرد این روش بسرعت در کشورهای دیگر اروپای غربی مرسوم شد، چون

کتابخانه ملی فرانسه نمی‌توانست سیل کتابهای جدید را آماده سازی کند تصمیم گرفتند مخازن

قدیمی کتابخانه را که کتابها براساس موضوع در آنها تنظیم شده بود ببندند و استفاده از طبقه

بندی مکانیکی Classement mécanique که تحت کنترل حکومت فرانسه بود و

کتابخانه‌ها ناگزیر از قبول آن بودند شروع شد، Léopold Delisle که رئیس

کتابخانه ملی فرانسه نیز بود در کتاب خود در مورد فعالیتهای کتابخانه، برای کتابهای جدید

روش ترتیب عددی را پیشنهاد کرد و کتابخانه‌های وابسته به شهرداریهای فرانسه نیز داوطلبانه

این روش را بکار بردند، زمانیکه اولین دسته کتابها برحسب قطع تنظیم شد ترتیب عددی دقیقی

که اقتصادی نیز بود بوجود آمد، مطابق ویرایش ۱۹۳۷ کتاب استاندارد کروزه Crozet،

در کتابخانه‌های تحقیقاتی به ۹ قطع و در کتابخانه‌های عمومی به ۶ قطع تقسیم شدند، با اینکه

کتابخانه‌های دانشگاهی آلمان نیز با همان مسائل مالی مواجه بودند و همان مقدار کار عقب افتاده

داشتند، روش ترتیب عددی را که یک الگوی فرانسوی بود بکار نیستند، ظهور حرفه کتابداری

تعداد کتابداران متخصص موضوعی را که مسوول سازمان دادن مجموعه در زمینه تخصصی خود و زمینه‌های موضوعی وابسته بودند افزایش داد. روش ترتیب عددی، کتابهای موجود در یک موضوع یا یک سری را پراکنده می‌کرد و مانع می‌شد که تعداد کتابهای مجموعه در آن موضوع ارزیابی شود. چون ساختن مجموعه مهترین وظیفه کتابداران بود این روش مناسب بنظر نمی‌رسید. کتابخانه‌های آلمان از یک روش ترکیبی استفاده می‌کردند که در آن کتابها ابتدا به دسته‌های موضوعی تقسیم بندی شده و سپس بر اساس قطع و شماره ثبت منظم می‌شدند. این دو روش عددی سرعت در کتابخانه‌های تحقیقاتی اروپا متداول شد. باین ترتیب بجز کتابهای مرجع که در سالنهای مطالعه بودند بقیه مجموعه‌های تحقیقاتی قفسه بسته داشتند.

در مورد مزایای روش عددی در برابر روش سیستماتیک و عواقب آن و نیز قفسه باز در برابر قفسه بسته بحث‌های بسیار شد. مسائل اداری و اقتصادی بیشتر مورد نظر بود و George Leyh که بزرگترین مدافع روش عددی بود، ترتیب سیستماتیک را تکفیر کرد و نظریه جدیدی از (*numerus currens*) ارائه داد. Fritz Milkau رئیس کتابخانه استان پروس که با نظریه Leyh موافق بود، ثابت کرد که ۹۰ درصد کتابهایی که مراجعان درخواست می‌کنند از کتابهای دهه اخیر (یعنی کتابهای جدید) می‌باشند. Leyh نتیجه گرفت که ترتیبی که براساس سفارش باشد بهتر خواهد بود و اگر کتابهای جدید کنار یکدیگر تنظیم شوند، مراجعه کننده می‌تواند کتابهای مورد نیاز را در محدوده کوچکی پیدار کند و به میزان امانت ببرد. Leyh معتقد بود که به سبب کمبودهای بودجه، جاو کارمند، روش رده‌بندی باعث انبار شدن کتابها می‌شود و نمی‌توان کتابهای جدید را با این روش پیچیده و تکراری بسادگی آماده کرد. او ضمناً کهنگی طرحهای رده‌بندی موجود و کوشش‌های زیادی را که برای تازه کردن سیستمها بمنظور همگام بودن با توسعه علوم در تمام رشته‌ها می‌شد تغییر کرد و نتیجه گرفت که به سبب اینکه طرح‌های رده‌بندی بخاطر تفاوت‌هایی که در نظم‌های مختلف وجود دارد کتابها را از یکدیگر جدا می‌کنند، و گردآوری کتابهای هم موضوع در یکجا غیر ممکن است و در نتیجه محقق مجبور است که کتابهای مورد نیاز را از محل‌های مختلف

جمع آوری کند، می‌توان با استفاده از منابع کتابشناسی سنتی کتابهای لازم را سریعتر پیدا کرد و از تلف شدن وقت بخاطر جست‌وجو در میان قفسه‌ها جلوگیری کرد، همانطور که Leyh اشاره کرده، یک نظم دائمی، عموماً کتابهای جدید را در رده‌بندی سالانه کنار هم قرار می‌دهند و کتابهای آن محدوده بخصوص بسادگی جایجا می‌شوند، در پیروی از نظریه Leyh بعضی از کتابخانه‌های بزرگ بخش جداگانه‌ای براساس ترتیب تاریخی تنظیم کردند. مثلاً Vittorio Emanuele در رم ده بخش به نظم تاریخی دارد و Zentralbibliothek Zürich چهار بخش، که مجموعه هر دو قبلاً در مخازن بود، با استفاده از "ترتیب مکانیکی" mechanical arrangement ارتباط دانشجویان با مخازن کتابخانه قطع شد و در نتیجه تعداد مراجعان کتابخانه‌های دانشگاهی سرعت کم شد و این مسئله بخصوص در آلمان باعث پیشرفت کتابخانه‌های انجمن‌ها شد. قفسه باز و امکان دسترسی سریع به کتابها، این کتابخانه‌ها را متمایز می‌کرد، مسئولان دانشگاهها این کتابخانه‌ها را از نظر مالی پشتیبانی می‌کردند زیرا می‌دانستند که ارتباط مستقیم دانشجویان با قفسه‌های کتاب ارزشمند است.

قفسه‌های باز در کتابخانه‌های آمریکائی

کتابخانه‌های بزرگ دانشگاهی اروپا زمانی دانشجویان را از دسترسی مستقیم به قفسه‌هایشان محروم کردند که نهضت کتابخانه‌های عمومی در ایالات متحده پیشرفت کرد و بر کتابخانه‌های کشورهای اسکاندیناوی نیز تاثیر گذاشته بود. دموکراسی آمریکائی به توسعه از کتابخانه‌های عمومی اهمیت می‌داد و این با سیاست کشورهای اروپای مرکزی تفاوت داشت، نهضت "دسترسی آزاد" به کتابها یک نوآوری بنیانی و سنت شکن بود و بعنوان تکنیکی در کتابخانه‌ها پدیدار شد که به نیازهای خوانندگان اهمیت می‌داد و رجعتی بود به ارتباط مستقیم و قدیمی کتاب‌خواننده، علاوه بر پیشرفتهای اجتماعی سیاسی عوامل دیگر نیز به قبول عمومی آن کمک کرد، برخی از کتابخانه‌های دانشکده‌ها که اجازه دسترسی به مجموعه را به دانشجویان می‌دادند، مثل کتابخانه‌های

عمومی عمل می‌کردند. در این کتابخانه‌ها که کوچک بودند و مراجعان کمی داشتند، تماس مستقیم دانشجویان با کتابها در سالنهای کتابخانه امکان داشت، انجام این کار از سال ۱۸۴۸ در دانشگاه براون (Brown University) شروع شده بود. کورنل (Cornell) نمونه دیگری بود که این روش را بکار برد. در مدرسه مذهبی Mt. Holyok استادان و دانشجویان در یک شاه نشین کتابخانه‌ای را که در آنجا مرتب شده بود، مطالعه می‌کردند. پیروی از مرام دموکراتیک، که خواهان فرصت مطالعه برای تمام مردم بطور مساوی بود، این سیاست را در کتابخانه‌های عمومی تقویت کرد. علاوه بر استادان و روحانیوسی که قبلا از کتابخانه استفاده می‌کردند، دادن اجازه استفاده به بقیه مردم نیز متداول شد.

همه کتابداران با "پذیرفتن عموم" در کتابخانه‌ها موافق نبودند و این مسئله بحث انگیز

مدت چند سال موضوع بحث سرمقاله‌ها و مقاله‌های Library Journal و کنفرانس‌های انجمن کتابداران امریکائی A.L.A. بود. خبرهای بدی در مورد کتابخانه‌هایی که قفسه باز داشتند منتشر می‌شد. بیم دزدی، جابجا شدن کتابها و ناقص شدنشان می‌رفت ولی بدون شک قفسه باز برای خودآموزی مردم علاقمند اهمیت داشت. با اینحال کتابداران بخوبی می‌دانستند که قفسه باز روش مناسبی برای همه نیست. امکان داشت، مردم عادی لابلای تابهای یک مجموعه بزرگ گم شوند و نتوانند باز گردند حال آنکه دانشجویان اگر می‌دانستند چه می‌خواهند بسادگی آنها پیدا می‌کردند. در کنفرانس کتابداران که در سال ۱۸۷۷ در لندن برگزار شد بیشتر کسانی که سخنرانی کردند مخالف روش قفسه باز بودند. ملویل دیوئی نیز یکی از آنان بود. این مسئله بعداً در کنفرانسهای A.L.A. در سانفرانسیسکو در سال ۱۸۹۱ و در Lake Placid در سال ۱۸۹۴ نیز به بحث درآمد. بهر حال در سال ۱۸۹۹ در آتلانتا و در سال ۱۹۰۰ در مونرال شرکت کنندگان از این روش طرفداری کردند و باین ترتیب نظریه‌ها عوض شده بود.

روش قفسه باز عده زیادی از خارجیانی را که از کتابخانه‌های عمومی امریکائی و انگلیسی بازدید می‌کردند تحت تاثیر قرار می‌داد بطوریکه آنها با اشتیاق توصیف می‌کردند ولی این روش فقط در کشورهای اسکانندیناوی موثر بود و بر کتابداری فاره‌ای اروپائی تاثیر زیادی نداشت. روش قفسه

باز در کتابخانه‌های فرانسه و آلمان بندرت بکار می‌رفت و در کشورهای اروپای جنوبی نیز قابل توجه نبود؛ Derrick J. Bott نویسنده انگلیسی روش آلمان را که به تصور او در سراسر اروپا عمومی بود، پیشرفته‌ترین سیستم بسته می‌داند، این روش که هدف آن آموزش بود بخاطر تماس نزدیک کارکنان کتابخانه با خواننده کامل‌ترین روش بنظر می‌رسید؛ مخزن بسته خصوصیت ویژه تمام انواع کتابخانه‌های اروپا بود، همانطور که پیش‌از این گفته شد در کتابخانه‌های دانشگاهی مسائل اداری باعث بوجود آمدن چنین روشی شد.

تأثیر جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم تأثیر زیادی بر کنابداری اروپا داشت که شروع جدیدی را باعث شد و تغییراتی نیز در فلسفه و خدمات کتابخانه بوجود آورد، بسیاری از ساختمانها و فهرست‌ها در جنگ از میان رفت و مجموعه‌ها و گنجینه‌های با ارزش پراکنده و یا مفقود شد، برای دوباره سازی و سازمان دهی کتابخانه‌ها ایده‌ها و کارهای زیادی لازم بود، وضع کتابخانه‌های آلمان مسئله جالبی را مطرح کرد و خرابی حاصل از جنگ و تأثیر ایده نولوژیهای سیاسی قدرت‌های اشغالگر، کوششهایی را که برای دوباره سازی بکار می‌رفت در مسیر جدیدی انداخت.

پس از خاتمه جنگ کتابخانه‌های دانشگاهی آلمان شروع به آماده سازی مجدد کتابهای باقیمانده و در دسترس قرار دادن سریع آنها نمودند، برای اینکه اینکار سریعتر انجام شود، روش‌های قبل از جنگ، که سودمند و اقتصادی بود، دوباره بکار گرفته شد، در بیشتر کتابخانه‌ها، کتابها برحسب قطع یا تنظیم عددی مرتب شدند؛ مسائل مربوط به فلسفه کار کتابخانه‌ها به بعد موکول شد تا با فرصت بیشتری روی آن مطالعه شود.

کتابخانه‌های عمومی آلمان وضع دیگری داشتند، با اینکه کتابخانه‌های پراهمیتی نبودند معهذاً آن زمان دوره تازه‌ای را شروع کرده بودند، دموکراسی قدرت‌های اشغالگر، باعث ایجاد یک روش جدید فراگیرنده برای مدارس و امکانات آموزشی مساوی برای همه شد، بوجود آمدن برنامه‌های اطلاعاتی و برقراری مبادلات فرهنگی، روش‌هایی را که در خارج بکار می‌رفت بنحوعملی

نشان می‌داد. در نتیجه گرایش بیشتری برای مطالعه بوجود آمد و تقاضاهای جدیدی برای خواندن و کسب اطلاعات بیشتر بوجود آمد. این گرایش تاثر زیادی نیز بر توسعه کتابخانه‌های عمومی داشت. نمونه‌ای از کتابداری آمریکائی در شهرهای بزرگ آلمان، Amerika Häuser بود که روش قفسه بازداشت. Amerika Gedenkbiibliothek که با سرمایه ایالات متحده در برلن تاسیس شد یک کتابخانه بزرگ و معتبر بود و ثابت می‌کرد کتابخانه‌های عمومی جدید از کارهای آمریکائی‌ها تقلید می‌کنند.

روش قفسه باز در یک کتابخانه عمومی که کتابها را امانت می‌دهد و مجموعه آنقدر کوچک است که امکان جست و جو در میان آنها وجود دارد کاری منطقی است. کتابخانه‌های دانشگاهی آلمان دیگر نمی‌توانستند بیش از این به روش قفسه باز که بشدت بوسیله کتابخانه‌های آمریکائی تبلیغ می‌شد بی توجه بمانند. کتابهای این کتابخانه‌ها که رده‌بندی شده بودند، در ساختمانهای نامناسب قرار داده شده بود. بخاطر سنتی که وجود داشت آماده سازی کتابها بر خدمات کتابخانه تقدم داشت.

مسافران آلمانی که از ایالات متحده باز دید می‌کردند، مشاهده می‌کردند که قفسه باز، کتابخانه‌های تحقیقاتی آمریکا را به مراکز تحقیقاتی تبدیل کرده است. قفسه باز و سالن‌های مطالعه بجای آنکه محققان و کتابها را از یکدیگر جدا کند آنها را بهم نزدیک کردند و مشهود بود که کتابخانه امریکائی به مراجعان اهمیت می‌دهد و خدماتش بر اساس نیازهای آنان است. در سخنرانیهائی که در سال ۱۹۵۶ در کنفرانس کتابداران دانشگاهی در برلین ایراد شدن نقش کتابخانه دانشگاهی در آلمان بعد از جنگ تشریح گردید. کتابخانه‌های دانشگاهی با روش قفسه بسته و مقررات شدید کنار گذاشته شد و در نتیجه کتابخانه‌های موسسات بسرعت پیشرفت کردند بطوریکه بنا به گفته Pflug، در سال ۱۹۶۶ ۸۰ درصد بودجه سفارشات دو دانشگاه شمال آلمان بجای آنکه به کتابخانه دانشگاه داده شود به کتابخانه‌های موسسات آنها داده شد. پس از آن این مسئله پیش آمد که اگر کتابخانه دانشگاهی می‌خواست دوباره مرکز تحقیقات شود بایستی برتری خود را در برآوردن نیازهای تحقیقاتی تازه مراجعان نشان می‌داد.

قفسه باز با ارتباط طبیعی که با مراجعان کتابخانه داشت، دوباره توانست بعنوان یک هسته اصلی نقش خود را در برابر سازمان وابسته باز یابد. از آنجا که سنتها و اوضاع آلمان یا ایالات متحده تفاوت داشت، آنها نمی‌توانستند کارهایی را که در کتابخانه‌های امریکائی انجام می‌شد بدون موشکافی و دقت قبول کرده و بکار ببرند.

بحث‌های قدیمی در مورد قفسه‌های بسته و باز بار دیگر موضوع اصلی مذاکره‌ها شد و موافقت شد که کارهای اداری نباید دیگر کارهای عمل را تحت الشعاع قرار دهد و راههای جدید بایست مطالعه شود.

کتابخانه دانشگاهی آلمان به دو گروه محققان و دانشجویان سرویس می‌داد. محققان کوشش می‌کردند در درجه اول از فهرست‌ها و کتابشناسی‌های مرسوم استفاده کرده و کتابهای تخصصی را پیدا کنند و دانشجویان، بویژه دانشجویان جدید به کتابهای ساده که نیازهای درسی‌شان را بر می‌آورد احتیاج داشتند. کتابخانه می‌بایست نیازهای هر دو گروه را بر آورد.

توافق

همانطور که در کشورهای انگلو- امریکن (Anglo American) نشان داده شده قفسه باز راه حل مناسبی برای کتابخانه‌های تحقیقاتی آلمان نبود، تا مدت‌ها حد مجموعه‌هائی که روش باز داشتند مشخص بود و اگر از آن اندازه تجاوز می‌کرد حالت تجملی پیدا کرده و معایر هدف خدمت بخوانندگان و مراجعان بود. فکر قفسه باز که ابتدا تصور می‌رفت به استفاده کننده کمک می‌کند، زمانیکه کتابخانه‌های کوچک به مکان‌های بزرگ منتقل شدند اشکالات زیادی را بوجود آورد که برای رفع آنها پیشنهادهایی داده شد.

در کار کتابخانه‌های دانشگاهی آلمان این توافق بعمل آمد که برای اینکه به هر دو گروه سرویس داده شود، مخزن‌های بسته برای مواد تحقیقاتی بکار رود و سالن‌های مطالعه برای استفاده دانشجویان سال‌های اول و مراجعان عمومی توسعه پیدا کند. فضاهای مخزن بسته اجباراً از عوامل زیر متأثر می‌شدند:

نقشه ساختمان بنای قدیمی کتابخانه، ترتیب مجموعه‌ها که رده‌بندی آنها گران تمام می‌شد و مهمتر از همه اعتقاد به اینکه جست و جو برای محققان کار پر دردسری است، سالن‌های مطالعه که در اصل کتابهای مرجع را در بر می‌گرفت گسترش داده شد و منتخبی از کتابها را در بر گرفت که نمایانگر تمام کتابها بودند.

در مورد این مسئله بحث زیادی شد و سئوالاتی پیش آمد، از جمله اینکه، کتابخانه قفسه باز چه اندازه‌ای داشته باشد؟ شامل چه چیزهایی باشد؟ چگونه مرتب شود؟ چگونه باید مراجعان به آن دسترسی داشته باشند؟

چگونگی و اندازه کتابخانه خود بخود تعداد و اندازه سالن‌های مطالعه را تعیین می‌کرد. مراد از قفسه باز اینست که دانشجویان تماس مستقیم و فوری با کتابهای اساسی و مناسب در زمینه تحصیلی‌شان داشته باشند. چنین مجموعه‌ای می‌تواند شامل ۱۰۰ هزار جلد کتاب باشد. کتابهای منتخب باید همیشه نمایانگر کتابهای کتابخانه باشد، نه مجموعه‌ای از موضوعهای پراکنده مراجعان باید بتوانند کتابها را در موضوع مورد نظر بطور کلی و در ارتباط با زمینه‌های وابسته از مد نظر بگذرانند و این سئوال پیش می‌آید که آیا یک سالن مطالعه بزرگ بهتر است یا چند اتاق مطالعه کوچک؟ بعنوان مثال در یک کتابخانه دانشگاهی در Constance، با اینکه، هیچ مجموعه کلی وجود ندارد چندین سالن مطالعه مخصوص موجود است.

Kluth پیشنهاد کرده است که مجموعه‌ای که در قفسه‌های باز قرار می‌گیرد باید شامل کتابهایی باشد که فراوان استفاده می‌شوند، و نیز آثار با ارزش در زمینه‌های مختلف و کتابهای مهم وابسته به آن موضوعها، اما آثار تاریخی باید جدا باشند. برای آنکه مجموعه گردآوری شده تازگی و منطق خود را حفظ کند کتابها باید هر روز بررسی شوند. سئوالهای مرجع و نیز کتابهایی که زیاد استفاده می‌شوند به اینکار کمک می‌کنند. مراقبت از این مجموعه وظیفه مهم کتابداران است که باید بعد دیگری به کارشان می‌بخشد. برای نگهداری کتابها در کنار یکدیگر، کتابهای سالن مطالعه نباید بر اساس قطع به گروه‌های مختلف تقسیم شود. چون اظهار نظرهای مراجعان در ساختن مجموعه موثر است آموزش از کارهای مهمی است که کتابدار با آن سروکار دارد و در

مدافعاتی که از روش قفسه باز بعمل آمده جنبه آموزشی آن نیز مورد نظر بوده است :

کتابداران آمریکائی و انگلیسی که از طرفداران قدیمی قفسه باز هستند نیز همان توافق کتابداران آلمانی را در استفاده از قفسه باز بعمل آورند ، کسانی که از روش قفسه باز انتقاد کرده اند معتقدند که در کتابخانه دانشگاهی از نظر گذراندن تعداد زیادی کتاب که در موضوع خاصی گردآوری شده اند مشکل می باشد . بعلاوه George Piternick در مطالعات اخیرش نتیجه گیری می کند که در مخزن هایی که پیوسته کتابهای آن زیاد می شود ، قابلیت دسترسی تمام کتابها یک اندازه نمی باشد . پیشرفت های اخیر در این زمینه حاکی از اشتیاقی است که استفاده کننده برای استفاده از منابع آماده مورد نیازش دارد . این مطلب در مسائل زیر نشان داده شده :

انتقال کتابهای کم استفاده از قفسه باز به مخازن کتابخانه ، تاسیس کتابخانه های وابسته به گروهها و بخش های خاص آنها ، تعداد رو بتزاید کتابخانه ها در محدوده دانشگاه ، نظریه Leyh در شصت سال پیش از این مبنی بر این که تنظیم تمام کتابهای هم موضوع در کنار یکدیگر غیر ممکن است ، امروزه در نظام های جدید نیز تاکید شده است ، روش های رایج رده بندی موضوعها را بطور گسترده ای پراکنده کرده است . مجلات در بسیاری از نظام ها در مرکز اصلی تحقیقات قرار دارند و محتوای آنها با استفاده از کتابشناسی ها قابل بازیابی است نه از راه جست و جو . این مسئله هم برای مواد دیداری شنیداری مثل نوار و کاست و هم برای انتشارات روزافزونی که بصورت کوچک شده (میکروفرم) نگهداری می شوند وجود دارد .

پیشرفت های جدید باعث شده که کتابخانه های بزرگ بعلت حجم زیاد دیگر نتوانند کتابهایشان را در دسترس بگذارند . از این رو این کتابخانه ها باید از همکاری متناسب شبکه های مرجع و استفاده از طرح امانت بین کتابخانه ها استفاده کنند .

با افزایش روزافزون اطلاعات علمی و فنی دسترسی به دانسته ها مشکل شد و در نتیجه فرمهای ماشینی (کامپیوتری) بوجود آمد . دسترسی به این دانسته ها بوسیله ترمینالهایی که در کتابخانه ها قرار گرفته عملی می شود . تحقیقی که انجمن کتابخانه های تحقیقاتی انجام داده نشان می دهد که بازیابی مطالب با کامپیوتر در کتابخانه های دانشگاهی راهی سریع و مناسب است .

بازیابی مطالب بصورت تخصصی و ترکیبی با موضوع‌های دیگر با این وسیله بهتر از روش‌های سنتی انجام می‌گیرد.

با این ترتیب بحث‌هایی که در مورد جست و جو در میان قفسه‌های باز کتابخانه می‌شد، قانع‌کننده بنظر نمی‌رسید زیرا محقق از راه جست و جو در میان کتابها تنها اندکی از منابع اطلاعاتی دسترسی پیدا می‌کند که مستلزم هزینه زیادی نیز هست. با توجه به این فعالیت‌های جدید هزینه گزافی که صرف رده‌بندی و تنظیم کتابهای یک مجموعه تحقیقاتی می‌شود با تعداد مراجعان متناسب نیست.

نتیجه

راه حلی که کتابخانه‌های تحقیقاتی آلمان پیدا کرده‌اند مناسب بنظر می‌رسد و ممکن است که کتابخانه‌های دیگر نیز آنرا بکار برند. این راه حل روش استفاده از قفسه بسته‌وقفسه‌های متصل بیکدیگر برای کتابخانه تحقیقاتی و سالنهای مطالعه مدرن است که بنا بر احتیاجات خوانندگان تعبیه شده است. روش بازیابی سنتی مواد اختصاصی از طریق فهرست‌ها می‌تواند با استفاده از کامپیوتر که دسترسی به دانسته‌های زیادی را در نقاط دور ممکن می‌سازد تکمیل شود. کتابدار می‌تواند مستقیماً با محقق در جست و جوی منابع همکاری کند. در نتیجه، بجای سرگردانی در میان قفسه‌ها که به خرید در سوپر مارکت می‌ماند، خواننده با روشی انعطاف پذیر به منابع خود دست می‌یابد.

کتابهای مجموعه‌ها اختصاصی یا استفاده از کتابشناسی‌ها، فهرست‌ها و ترمینال‌ها بازیابی می‌شوند و کتابهای عمومی را که در قفسه باز قرار دارند می‌توان براساس طرح‌های رده‌بندی سنتی و یا روش‌های جدیدتر منظم کرد. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که این طرز کار در نقاط مختلف متفاوت است.

مطالب بالا نشان می‌دهد که استفاده از روش قفسه باز در تمام قسمت‌های کتابخانه با توجه به مسائل اقتصادی و احتیاجات مراجعان امکان پذیر نیست. در مواقعی که کمبود بودجه

مطرح است ، برای آگاهی از کارهایی که در نقاط دیگر انجام شده و آزمایش روشهای جاری ، بجاست که نگاهی به تاریخ انداخته شود . شاید یک روش ترکیبی باز و بسته بتواند خدمات کتابخانه‌ای را با مسائل جدید اداری تطبیق دهد ،

References

1. Carl Wendel, "Das griechisch-römische Altertum." in Georg Leyh, ed., *Handbuch der Bibliothekswissenschaft*, 2. Aufl. (Wiesbaden: Harrassowitz, 1955) 3. pt. 1:140.
2. Georg Leyh, "Aufstellung und Signaturen," in *Handbuch der Bibliothekswissenschaft* (Wiesbaden: Harrassowitz, 1961) 2:658.
3. Wendel, "Das griechisch-römische Altertum." p.140-41; Leyh, "Aufstellung." p.685.
4. Richard Aungerville, *The Love of Books: Being the 'Philobiblon' of Richard de Bury* (London: Burns & Oates, 1905), p.116-17.
5. Carl Christ, "Das Mittelalter." in *Handbuch der Bibliothekswissenschaft* 3. pt. 1: 271.
6. Ibid., p.430.
7. Gabriel Naudé, *Advice on Establishing a Library* (Berkeley: Univ. of California Pr., 1950), p.74.
8. Ludwig Klaiber, "Die französischen Bibliotheken seit der Renaissance," in *Handbuch der Bibliothekswissenschaft* 3. pt. 1:704-5.
9. Georg Leyh, "Die deutschen Bibliotheken von der Aufklärung bis zur Gegenwart," in *Handbuch der Bibliothekswissenschaft* 3, pt. 2:121.
10. Ibid., p.129.
11. Gustav Abb, "Die Bibliotheksbenutzung," in *Handbuch der Bibliothekswissenschaft* 2:417.
12. Leyh, "Aufstellung." p.698.
13. Naudé, *Advice*, p.68.
14. "Circulaire à propos de l'instruction générale relative au service des bibliothèques universitaires, 1878," cited by Hugo Alker, "Aufstellung und Signaturen der Universitätsbibliothek Wien, ein Beitrag zur Geschichte des numerus currens," *Zentralblatt für Bibliothekswesen* 68:242 (1954).
15. Léopold Delisle, *Instructions élémentaires et techniques pour la mise et le maintien en ordre des livres d'une bibliothèque*, 4. éd. (Paris, 1910).
16. Leo Crozet, *Manuel pratique du bibliothécaire*, nouvelle éd. (Paris: Librairie Emile Nourry, 1937), p.78. 81.
17. Leyh, "Die deutschen Bibliotheken." p.378.
18. Alker, "Aufstellung und Signaturen," p.243.
19. *Zentralblatt für Bibliothekswesen* 29:241 (1912); 30:97 (1913); 31:398 (1914).
20. *Zentralblatt für Bibliothekswesen* 30:131 (1913).
21. Walter Bauhuis, "Katalogprobleme und Lösungen," *Zentralblatt für Bibliothekswesen* 61:112 (1947).
22. U.S. Office of Education, *Public Libraries in the United States of America, Their History, Condition and Management* (Washington, D.C.: U.S. Govt. Print. Off., 1876), p.90, 108.
23. Herbert Putnam, "Access to the Shelves, a Possible Function of Branch Libraries," *Library Journal* 16:65 (1891).
24. Frederick J. Teggart, "Access to the Shelves," *Library Journal* 24:667 (1899); Thomas Wentworth Higginson, "Access to Shelves," in Arthur Bostwick, ed., *The Library Without Walls* (New York: Wilson, 1927), p.155.
25. Teggart, "Access to the Shelves," p.671.
26. *Library Journal* 2:272 (1877).
27. "Dana at the Montreal Conference," *Library Journal* 25:153 (1900).
28. Eugene Morel, *Bibliothèques* (Paris: Mercure de France, 1908) 2:181.
29. Derrick J. Bott, "Fifty Years of Open Access," *Library Association Record* 46:212 (1944).
30. Aranka Racz, "Széchényi-Bibliothek und deutsche Staatsbibliothek," *Zentralblatt für Bibliothekswesen* 71:426-45 (1957).
31. Hermann Tiemann, "Neue Lesesaalaufgaben in den wissenschaftlichen Bibliotheken," *Zeitschrift für Bibliothekswesen und Bibliographie* 3:175 (1956).
32. Joachim Stolzenburg, "Bibliothekssystem und systematische Aufstellung," *Zeitschrift für Bibliothekswesen und Bibliographie* 14: 305 (1967).
33. Rolf Kluth, "Die Freihandbibliothek," *Zeitschrift für Bibliothekswesen und Bibliographie* 7:109 (1960).
34. Tiemann, "Neue Lesesaalaufgaben," p.172.
35. F. W. Ratcliffe, "Problems of Open Access in Large Academic Libraries," *Libri* 18:109 (1968).
36. Kluth, "Die Freihandbibliothek," p.106.
37. "Freihandbibliothek," *Lexikon des Bibliothekswesen* (Leipzig, 1969), p.265.
38. Tiemann, "Neue Lesesaalaufgaben," p.174.
39. Stolzenburg, "Bibliothekssystem," p.308.

References (continued)

40. Kluth, "Die Freihandbibliothek," p.99-100.
41. Peter Moosdorf, "Zur Problematik der Freihandausleihe in Hochschulbibliotheken, Thesen und Vorschläge," *Zentralblatt für Bibliothekswesen* 86:152-64 (1972).
42. Gilbert W. King, *Automation and the Library of Congress, a Survey Sponsored by the Council on Library Resources* (Washington, D.C.: Library of Congress, 1963), p.23.
43. George Piternick, "Book Storage in Academic Libraries, a Report Submitted to the Council on Library Resources" (Vancouver, 1974).
44. Jeffrey J. Gardner, David Wax, and R. D. Morrison, Jr., "The Delivery of Computer-Based Bibliographic Search Services by Academic and Research Libraries," *ARL Management Supplement* 2 (Sept. 1974).
45. King, *Automation and the Library of Congress* p.23.
46. F. Celoria, "The Archaeology of Serendip," *Library Journal* 94:1846-48 (May 1, 1969); S. M. Apted, "General Purpose Browsing," *Library Association Record* 73: 228-30 (1971); Philip M. Morse, "Search Theory and Browsing," *Library Quarterly* 40:391-408 (1970).

